

## چشم‌انداز تحولات آینده خاورمیانه

برخی از رهبران کشورهای غربی در ماه‌های اخیر از بی‌ثباتی و تداوم بحران در خاورمیانه در دهه آینده سخن گفته‌اند. سخنان آنان از دو جنبه می‌تواند قابل تأمل باشد؛ نخست آنکه چنین وانمود شود که کنشگران و نیروهای منطقه‌ای در خاورمیانه اعم از سیاستمداران، نظامیان، رؤسای طوائف و اقوام، رهبران جنبش‌ها و احزاب و اسلام‌گرایان مسلح در دهسال آینده چنان در نبردهای عقیدتی، قومی و نژادی و فتح سرزمینی غرق شده‌اند که ابرقدرتها و ناظران نظم جهانی دیگر از توانایی لازم برای کنترل، اعمال نفوذ و حل سیاسی و مسالمت‌آمیز مسائل برخوردار نخواهند بود، بلکه اساساً از برقراری صلح و ثبات در منطقه ناامید شده‌اند و تصمیم گرفته‌اند که نیروهای منطقه‌ای را به حال خود واگذارند و احیاناً نیز تلاشهایی را برای نشان دادن حسن نیت خود نشان دهند در حالی که می‌دانند فعالیت‌های آنان برای ایجاد صلح و ثبات منطقه‌ای ثمربخش نخواهد بود.

دوم آنکه پیش‌بینی بحران دهساله آینده در خاورمیانه در حقیقت بیان تمایل غربی‌ها برای تداوم بحران است و آنان نه فقط تلاش جدی برای حل مسائل منطقه‌ای نخواهند داشت، بلکه

\* رییس مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

برعکس با تحریک طرف‌های درگیر، انتقال سلاح، مداخله‌گری و کمک‌رسانی به نیروهای منطقه‌ای همسو و نیز تشویق هم‌پیمانان منطقه‌ای خود نظیر ترکیه و عربستان و دیگران به دخالت نظامی بر طبل جنگ خواهند کوفت و در استمرار بی‌ثباتی و تداوم کشتارها فعالانه ایفای نقش خواهند کرد.

به‌نظر می‌رسد تفسیر دوم از سخنان رهبران غربی به واقعیت موجود نزدیک‌تر باشد. آمریکا علی‌رغم آنکه ائتلاف جهانی علیه داعش تشکیل داده است، اما در عمل جدیتی از خود نشان نمی‌دهد، بلکه برعکس از تجاوزات بی‌شمار هم‌پیمانان خود به حقوق حاکمیتی کشورهای سوریه، عراق و یمن نیز حمایت می‌کند. درست است که بحران بی‌ثباتی در کشورهای عربی ریشه‌های داخلی دارد و برخی کشورهای عربی منطقه به دلیل رفتار نامناسب حاکمان، استبداد داخلی، نادیده گرفتن حقوق اقلیت‌ها و قومیت‌ها، فقر و بیکاری، فساد و تبعیض و نیز تحقیر هویتی و فقدان آزادی و عدم مشارکت سیاسی در بروز بی‌ثباتی نقش داشته‌اند، اما آنچه بر افزایش تشنج و خشونت و مسلح کردن گروه‌ها و اقوام و جنبش‌ها و نیز ظهور تروریسم داعش و دیگر گروه‌های سلفی بیشترین تأثیر را داشته است، تحریکات گسترده غرب، اشغال‌گری غربی و صهیونیستی و ارسال سخاوتمندانه سلاح‌های متنوع و پیشرفته از سوی آنان برای گسترش و استمرار بی‌ثباتی بوده است.

لذا به سادگی نمی‌توان پذیرفت گروه داعش که از اقصی نقاط جهان و از جمله آمریکا و کشورهای غربی سربازگیری می‌کند، در خلاء قدرت یافته باشد. آنان با پرداخت دستمزدهای قابل توجه به افراد، و با دارا بودن بهترین امکانات ارتباطی و نیز تجهیزات و تسلیحات پیشرفته و نیز سازماندهی مدرن نشان داده‌اند که از سوی ثروتمندان غربی و منطقه‌ای و با پوشش سیاسی، نظامی و آموزش‌های مناسب عملیاتی، رزمی و استراتژیک به صورت همه‌جانبه حمایت می‌شوند. گزارش‌هایی وجود دارد که داعش علاوه بر گسترش در شمال آفریقا و منطقه هلال بارور، با تصرف برخی استان‌های شمالی افغانستان در صدد گسترش و تصرف سرزمین‌های آسیای مرکزی و انتقال بی‌ثباتی بدان مناطق است.

بنابراین باز هم به سادگی نمی‌توان پذیرفت که این جریان سلفی — تروریستی که همه

قدرت‌های غربی و منطقه‌ای به ظاهر درصدد مسدود کردن منابع مالی آنها هستند، منابع مالی خود را از طریق تبرعات مالی و مالیات از شهروندان و فروش نفت با تانکر تامین نماید. بدیهی است تصرف سرزمین در عراق و سوریه و یمن و لیبی و صحرای سینا و افغانستان و نظایر آن با چنین منابعی قابل تأمین نباشد.

به‌نظر می‌رسد آن‌که بیش از دیگران از انتقال ویروس داعش به کشورهای اسلامی سود می‌برند گروه خاصی از کارتل‌ها و فروشندگان بزرگ تسلیحات در جهان باشند.

گمان می‌رود پروژه‌هایی نظیر اسلام‌هراسی، ایران‌هراسی دیگر کارکرد خود را از دست داده باشد، به‌ویژه آن‌که جمهوری اسلامی ایران با ایفای نقش مسئولانه در پرونده هسته‌ای و نیز پرونده‌های منطقه‌ای نظیر عراق و سوریه نشان داده است که به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای هوشمند و با تکیه بر حکمت، عزت و مصلحت‌کشوری است که می‌تواند پناهگاه امن ستمدیدگان و آسیب‌دیدگان منطقه باشد.

لذا آنچه اکنون تحت عنوان ترس از تروریسم در خاورمیانه و جهان اشاعه داده می‌شود، بیش از آن‌که نگرانی غربیها را از گسترش داعش نشان دهد، ارایه تصویر جدیدی از دشمن است که رژیم‌های منطقه‌ای را که نگران امنیت خود هستند به بستن قراردادهای کلان تسلیحاتی ترغیب کند. معلوم است سودی که برای آمریکا، فرانسه، انگلیس و دیگر کشورهای غربی از فروش سلاح به کشورهای حاشیه خلیج فارس و دیگران به دست می‌آید به مراتب برای آنان از بسته شدن پرونده داعش و کشتار و آواره شدن غیرنظامیان بیگانه که عموماً نیز از تهدیدستان جهان عرب هستند، مهم‌تر باشد. گویا آنچه آنان پیش‌بینی دهساله بی‌ثباتی در خاورمیانه می‌نامند، پروژه سودآوری باشد که به قیمت سرنوشت مبهم و تاریک مردم این منطقه از جهان تمام می‌شود.